



## بدبختی عموم

این تعطیلی‌ها، تنها حاصل نظامی که حول محور سود بنا گشته است، نمی‌باشند. تعطیلی درمانگاه‌ها در مناطق روستایی از سال ۱۹۸۰ به بعد، با سرعت ثابتی رخ داده است. از همان زمان، کاهش‌های شدید کمک‌های درمان و سایر برنامه‌های بهداشت عمومی از سوی رونالد ریگان<sup>۱</sup> باعث شد که تا پایان این دهه، صدها بیمارستان بسته شود؛ هم بیمارستان شهری و هم درمانگاه‌ها. این الگو همچنان در دهه ۱۹۹۰ نیز ادامه یافت که تا حدودی هم کاهش‌های مراقبت و درمان در قانون کاهش بودجه‌ای - که در زمان بیل کلینتون<sup>۲</sup> تصویب شد - به وخیم‌تر شدن اوضاع دامن زد و تا به امروز نیز ادامه داشته است زیرا قانون‌گذاران آمریکا، همچنان برنامه‌های حمایتی خود را کاهش می‌دهند.

مبارزه‌اشنگتن با مخارج دولت نیز به طرق دیگری مانع از ارائه پاسخی کارآمد گشت. جمهوری خواهان جنبش تی پارتی<sup>۳</sup>، درخواست دولت اوپاما در سال ۲۰۱۰ برای پُر نمودن مجدد انبارهای تجهیزات پزشکی فدرال را که به دلیل آنفولانزای خونی خالی شده بود، رد کردند. تأمین مالی‌های خودکار سراسری که در مذاکرات بودجه دولت، مورد

به تأخیر می‌اندازند، اکراه افراد نسبت به انجام آزمایش یا درمان شدن، به طور حتم، به گسترش ویروس دامن زد. کسانی که درصد انجام آزمایش یا درمان برآمدند، عواقب آن را نیز متحمل شدند؛ یعنی هزاران دلار صرف هزینه‌های پزشکی نمودند که این هزینه‌ها برای یک زن، تقریباً ۳۵۰۰۰ هزار دلار برآورد شد. از زمانی که میلیون‌ها نفر به دلیل از دست رفتن تعداد زیادی از مشاغل در اثر قرنطینه، بیمه کارفرمای خود را از دست دادند، این مسئله بدتر شده است.

البته بیمه همگانی، تنها بخشی از این تصویر اسفناک است. نظام پولی درمان و سلامت آمریکا موجی از تعطیلی بیمارستان‌هایی را که دیگر سودآور نیستند، به بار آورده است و حداقل سی بیمارستان در سال ۲۰۱۹ ورشکسته شدند. با بسته شدن ۱۲۰ درمانگاه در دهه گذشته، اوضاع در مناطق روستایی بدتر شده است که این رقم، به ۱۹ مورد تعطیلی در سال گذشته رسید. این تعطیلی‌ها نه تنها باعث می‌شود که بیماران در جای دیگری خارج از شبکه بیمه خود، به دنبال درمان باشند که این امر، به معنای هزینه‌های پزشکی و درمان سر به فلک کشیده نیز است، بلکه موجب می‌شود تا برخی افراد، به ویژه در مناطق روستایی دورافتاده، در بحبوحه این پاندمی نتوانند به جایی مراجعه کنند.

توافق قرار گرفت، آمادگی مواجهه با فاجعه را بسیار کمتر کرد. اگرچه لایحه مراقبت مقرون به صرفه<sup>۴</sup>، پانزده میلیارد بودجه برای صندوق بهداشت، درمان و پیشگیری از بیماری تخصیص داد، اما کسری بودجه سال ۲۰۱۲، این رقم را به بیش از یک سوم کاهش داد که این امر، نخستین مورد کاهش‌هایی است که برای بودجه این صندوق صورت گرفت.

اوپاما به هیچ وجه در این مورد بی‌تقصیر نیست؛ کاخ سفید او بود که در وهله اول، رؤیای تأمین مالی را در سر می‌پروراند و با آن راه خام و ناشیانه، برای اجرای تصمیمات سخت کاهش بودجه موافقت کرد. در سال ۲۰۱۳، او تقریباً نیمی از یک میلیارد دلار اختصاص یافته به صندوق را گرفت و آن را به سوی بیمه سلامت فدرال هدایت نمود که این پروژه غیرضروری و گیج‌کننده، در واقع به معنای این بود که مشتریان ساعت‌ها وقت خود را صرف انتخاب غلط از میان ده‌ها گزینه بیمه مختلف نمایند. در کل اوپاما موجب کاهش‌های چشمگیر در مخارج درمان و سلامت عمومی شد؛ اگرچه بودجه بخش درمان و سلامت میان سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۲، از ۱/۳۶ به ۳/۱۸ افزایش یافت اما تا سال ۲۰۱۴، به ۲/۶۵ کاهش رسید.

1. Ronald Reagan

2. Bill Clinton

3. Tea Party Republicans

4. A.ordable Care Act

## لاری، اقتصاددان ارشد در زمان اوپاما: به این کار برون سپاری می‌گویند

دهه‌ها سیاست تجارت نئولیبرال باعث شده است که آمریکا، نتواند همان پاسخ زمان جنگ را به این کمبود تجهیزات بدهد. پایگاه‌های تولیدی کم شده و به آن سوی مرزها انتقال یافته است. دولت ترامپ اکنون خود را در وضعیتی می‌بیند که باید تلاش کند تا تجهیزات پزشکی وارد کند؛ آن هم زمانی که ۶۸ کشور از قبیل چین، صادرات دارو و تجهیزات محافظت شخصی را محدود کرده‌اند. درحالی‌که ۳۵/۳ درصد از کل واردات آنتی‌بیوتیک، تجهیزات محافظت شخصی و همچنین، ۶/۸ درصد واردات ابزار پزشکی به آمریکا، از کشور چین است؛ که شامل ۴۲ درصد ماسک صورت، ۴۵ درصد لباس محافظتی و ۷۰ درصد تجهیزات محافظت از دهان و بینی است. چرا بزرگ‌ترین اقتصاد در طول تاریخ جهان، نمی‌تواند به میزان کافی شُواب، ماسک صورت و ونیتلاتور (دستگاه تنفس مصنوعی) تولید کند؟! لاری سامرز، اقتصاددان ارشد در زمان اوپاما، این سؤال را در توییت پرسیده است. وقتی کاربران خشمگین توییت، او را مورد خطاب قرار دادند، او فقط به تکرار سخنان خود در کنفرانس کسب‌وکار سال ۲۰۱۱ متوسل شد: «ما نباید با برون‌سپاری وظایف مخالفت کنیم».

البته متمرکزسازی شرکتی نیز در این میان بی‌تأثیر نبوده است. دولت در سال ۲۰۰۹، قراردادی با شرکت تولیدی ابزار پزشکی نیوپورت<sup>۱</sup> در کالیفرنیا منعقد نمود تا با مبلغی حدود ۷ هزار دلار - که کمتر از هزینه معمول بود - هزاران دستگاه تنفس مصنوعی مقرون به صرفه بسازد. این طرح منحل شد، آن هم زمانی که تولیدکننده بسیار، یعنی کوویدین<sup>۲</sup> شرکت نیوپورت و پنج شرکت، ابزار پزشکی دیگر را خرید و این اقدام را به عنوان بخشی از روند صنعت فراگیر و گسترده در آن زمان انجام داد. پس از نخستین تقاضا برای پول بیشتر برای پروژه و قیمت فروش بالاتر، دو سال بعد، کوویدین این قرارداد را کلاً منحل کرد، آن هم بدون آنکه حتی یک دستگاه تنفس مصنوعی تولید کند. طبق اظهارات نیویورک تایمز، مجریان رقیب مشکوک بودند به این‌که کل این قضیه حرکتی باشد به منظور جلوگیری از فروش دستگاه‌های تنفس مصنوعی، از سوی شرکت نیوپورت.

### تنبیه بی‌رحمانه و غیرمعمول

درحالی‌که طبقه سیاسی آمریکا، موجب درآمد ناچیز و نابرابری ثروت شده یا این‌که به طور فعالانه، موجب گسترده شدن آن گشته، گسترش ویروس کرونا به ویژه در میان مردم رنگین‌پوست، بیشتر نمود پیدا کرده

است. ۷۰ درصد مرگ‌ومیرهای ناشی از ویروس کرونا در شیکاگو و ۸۰ درصد از مرگ‌ومیرها در میلواکی<sup>۳</sup>، مربوط به آفریقای آمریکایی‌ها بوده است. در واقع، سهم آن‌ها در مرگ‌ومیر، بسیار بیشتر از جمعیت سایر ایالت‌ها در هر منطقه دیگر از کشور است. شرایط حاصل از عدم مساوات و نابرابری تاریخی موجود، به این آمار و ارقام مخوف و وحشتناک، منجر شده است. عملاً هر جنبه از سیاه‌پوست بودن در آمریکا، باعث شده است تا آفریقایی - آمریکایی‌ها به طور منحصربه‌فردی در معرض این پاندمی قرار بگیرند؛ آن‌ها در شهرهای پرجمعیت زندگی می‌کنند، نرخ مشکلات مزمن سلامتی در آن‌ها بالا است، به طور نامتناسبی به حمل‌ونقل عمومی وابسته هستند و اغلب در مشاغل کار می‌کنند که ریسک بالایی گسترش ویروس در آن‌ها وجود دارد.

قوانین شدید و سخت‌گیرانه ضد مواد مخدر و جنایت - که دهه‌هاست وجود داشته‌اند - نیز به معنای این بوده که تعداد آن‌ها در زندان‌ها بیشتر است. زندان‌های تنگ و کوچک با شرایط غیر بهداشتی و جمعیتی که بیشترشان مسن و بیمار هستند، در واقع، به سویی از انواع بیماری‌ها تبدیل شده‌اند. ماقبالاً هم این مسئله را در زندان ریکرز آیلند<sup>۴</sup> مشاهده کرده‌ایم؛ زندانی که نرخ تخمینی بیماری‌های عفونی آن، ۹/۲۳ و

3. Milwaukee  
4. Rikers Island

1. Newport Medical Instruments  
2. Covidien





نابرابری اقتصادی آمریکا، قرنطینه‌های اولیه کارگران و کاهش امنیت رفاه به معنای این است که قرنطینه یا تعطیلی‌ها، هرگز انتخاب میلیون‌ها آمریکایی نبوده است. ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها پس‌انداز ندارند که بخواهند از پس مخارج غیرمترقبه هزار دلاری برآیند و تقریباً ۴۰ درصد از آن‌ها، حتی نمی‌توانند از پس یک هزینه پیش‌بینی نشده ۴۰۰ دلاری برآیند. تا اواسط ماه مارس، سی‌وسه میلیون نفر مرخصی با حقوق نداشتند و این نوع مرخصی، در واقع مزیتی است تنها مختص کسانی که درآمد بالا دارند. کارگران با درآمد کم، اگر از شغلشان دست بکشند

می‌شکنند. هر عاملی که باعث شده تا آفریقایی-آمریکایی‌ها به طور خاص و بیشتری در برابر این ویروس آسیب‌پذیر باشد، در مورد فقرا نیز صادق است؛ از قبیل عدم دسترسی به خدمات درمان و بهداشت که این مسئله با توجه به ماهیت نژادپرستی فقر در آمریکا تعجب‌آور نیست. داده‌های حاصل از نیویورک و میشیگان از قبل، حاکی از آن است که همانند سایر نقاط جهان، این فقیرترین‌ها هستند که متحمل سخت‌ترین لطمه‌ها شده‌اند که این، یک فاجعه اخلاقی است و در واقع، مهار این پاندمی را سخت‌تر کرده است.

تست ابتلا به کووید-۱۹ در چهار تن از فرزندان مهاجران، مثبت بوده و شرایط به قدری خطرناک است که مهاجران گرسنه، تنها درخواست دارند تا دیپورت شوند. اگر مراکز نگاهداری از مهاجران، کانون جدید ابتلا به ویروس کرونا شود، شما باید از کمپین تهاجمی بازداشت‌های گسترده و دادگاه‌های شلوغ رسیدگی به امور مهاجران، ممنون باشید که تا ماه مارس سال ۲۰۲۰ ادامه داشت.

### قرنطینه برای کسانی که توان مالی در خانه ماندن را دارند

گسترش این ویروس و بار مالی آن، کم‌رقرانبوه ضعیف در آمریکا را



مزایای بیمه بیکاری شامل حالشان نخواهد شد و کاهش هزینه‌های به‌زیستی که در پی «اصلاحات هزینه‌های به‌زیستی»<sup>۱</sup> دموکراتیک صورت گرفت، باعث شده است که این کارگران در مقابل دستورات در خانه بمانیم، مقاومت نشان داده، خطر کنند، بر سر کار رفته و از حمل و نقل عمومی استفاده کنند. اطلاعات موقعیت‌یابی تلفن که توسط نیویورک تایمز<sup>۲</sup> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، نشان می‌دهد - به احتمال زیاد - آن‌هایی که در خانه می‌مانند، کسانی هستند که توانایی مالی خوبی دارند.

### دولت شکست خورده

در وضعیت کنونی، می‌توان از وضعیت ثروتمندان چشم‌پوشی کرد و چندان نگران آن‌ها نبود؛ اما این کارگران با دستمزد کم هستند که کارهای مهم و حیاتی را برای کسانی که در قرنطینه مانده‌اند، انجام می‌دهند؛ از میوه‌چینی گرفته تا بسته‌بندی گوشت، حمل و نقل، کارگرهای فروشگاه‌های خواروبار و تحویل اقلام به درب منزل. این امر، بدین معناست که شیوع یک بیماری فقط برای مدت نامحدودی می‌تواند محدود به فقرا باشد و در نهایت، زنجیره تأمین مواد ضروری و مایحتاج

افرادی را که ایمن در خانه نشسته‌اند، برهم خواهد زد. راهبردهای جلوگیری از رخداد این مسئله مانند مرخصی استعلاجی و اقدامات محل کار به منظور محافظت از کارگران در برابر ابتلا به این بیماری عفونی، باید از همان ابتدا آغاز می‌شد. چندین دهه حمله به حقوق اتحادیه، به این امر منجر شد که کارگران آمریکایی از ترس اخراج شدن، مجبورند حتی مواقعی که بیمار هستند نیز سر کار بروند. آن‌ها مجبور بوده‌اند تا با چنگ و دندان با آنچه شعور و عقل سلیم است، مبارزه کنند.

همان‌طور که در کشورهایمانند هند مشاهده کرده‌ایم، این افراد حاشیه‌نشین هستند که به احتمال زیاد در بحبوحه یک تعطیلی جایجا شده و به طور بالقوه این ویروس را به سوی جمعیت‌هایی می‌برند که دورتر از مکان‌هایی بوده که سرایت در ابتدا، در آنجا دیده شده است. بروکراسی عهد دقیانوس دولت آمریکا، باعث می‌شود که یک چنین پیامدی محتمل گردد. میلیون‌ها نفری که نزد سازمان خدمات درآمد داخلی<sup>۳</sup> سپرده مستقیم ندارند و اطلاعاتشان موجود نیست، مجبور خواهند بود ماه‌ها صبر کنند تا چک ناچیزه ۱/۲۰۰ دلاری خود را دریافت نمایند. آژانس‌های بیمه بیکاری دولتی نیز با مراجعه تعداد بالای متقاضیان، تحت فشار بی‌سابقه‌ای

قرار گرفته‌اند. وب‌سایت‌های آن‌ها از کار افتاده است و روزانه صدها و حتی هزاران تماس دریافت می‌کنند. وضعیت در کشورهای نظیر آلمان، بسیار متفاوت‌تر است؛ زیرا در آنجا دریافت کمک دولتی، موضوعی است که فقط با پر کردن یک فرم کوتاه و چند روز انتظار کشیدن، حل و سپس پول به حساب شما واریز می‌شود.

اگر شما بخواهید به طور آگاهانه این فاجعه سلامت عمومی گسترده را مهندسی کنید، در خواهید یافت که کل سیستم آمریکایی به گونه‌ای تنظیم شده است که یک بحران را به فاجعه تبدیل کند. چندین دهه نژادپرستی، خط‌مشی‌های ضد کارگری و سیاست دولتی ثروت‌مداران، شرایط ایده‌آلی را به وجود آورده است برای آن‌که این پاندمی، آمریکا را به یک دولت شکست‌خورده تبدیل کند. به منظور حل این بحران و بحران‌های آینده نظیر این، منابع بیشتر و نطق‌های آتشین درباره مبارزه علیه این ویروس، کافی نخواهد بود، بلکه باید یک بازیابی کامل در مورد ساختار نابرابر جامعه آمریکا صورت گیرد.

#### منبع

این مطلب در ۲۶ آوریل سال ۲۰۲۰ در تارنمای ژاکوبین منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:  
<https://www.jacobinmag.com/2020/04/bipartisanship-pandemic-coronavirus-donald-trump-democrats-republicans>

3. Internal Revenue Service

2. New York Times